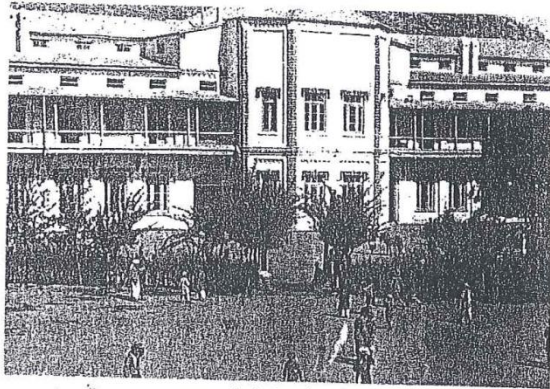


## درحاشیه روابط آلمان و افغانستان



نخستین بنای لیسه آلمانی

بسته شده بود. و همچنان گفته شده بود که امواج رادیو را میتوان به مشکل یافت. اما امکان مطالعه، نوشتن چای و سمپورت تینس و اسپ سواری بعد از ظهرها در سفارت موجود بود. مقدار معاش تا آن وقت تعیین نشده نبود.

نشریه عسری معلمان چند بار با لحن خشونت آمیز دعوت رسمی مربوط را انتقاد کرد که آقای ایون با معاش ناچیز از معلمان افراد پروتاریای کلتوری میسازد. که کود ارزان بهای زمین افغانستان گردند. ایون در جواب میگفت که معلمان بنا بر دانش و آگاهی می توانند به شکل مناسب زنده گی کنند. البته کدام پس اندازی ندارند، زیاده بر آن باید از سگرت و سیگار و الکھول و مرادوه با خانمان اجتناب ورزند. میگفت باید درک کرد که رسم و رواج اینجا به اساس مرد سالاری می باشد.

### سروگذشت لیسه آلمانی

برگرداننده: عنایت الله حبیب  
استاد تخنیکم ساختمان هامبورگ

1

در اکتوبر سال ۱۹۲۸ اطلاعیه یی درنشریند معلمان چاب برلین به نشر رسیده بود. در آن از تحصیل کردگانی که به رشته ریاضیات، فزیک و کیمیا تخصص داشته و تصدیق صحی ضد امراض محیط تراویک را با خود بیاورند، خواهش شده بود تا درخواست های خود را به سفارت شاهی افغانستان مقیم برلین بفرستند تا برای مدت دوسال به حیث معلم در لیسه آلمانی که در حالت رشد است، تدریس کنند.

ایجاد مکتب آلمانی در شهر کابل از جمله سیاست کلتوری و دورنمایی حکومت آن وقت آلمان نبوده، بل پیشنهاد و ابتکار استاد با تجربه آلمانی بنام داکتر والتر ایون Dr. Walther Iven بود او در آن زمان به حیث استاد، شاگردان افغانستانی را که تازه به برلین آمده بودند، تدریس میکرد. او بود که پیشنهاد ایجاد چنین مرکز تعلیمی را در کابل به پادشاه مترقی خواه افغانستان، اعلیحضرت امان الله خان کرد. اعلیحضرت امان الله خان علیه مداخلات انگلیس قیام و در سال ۱۹۱۹ استقلال افغانستان را حاصل کرد. امان الله خان پیشنهاد داکتر ایون را برای انکشاف سریع جامعه افغانستان امر ضروری دانست و پذیرفت. یکی از اقدامات دیگر او دور کردن چادری از سر ملکه شریا بود. حکومت قانون و مساوات را برقرار و دین را از دولت جدا دانست و جلب عسکری عمومی را اساس گذاشت. در بعضی از مکاتب ابتدایی پسران و دختران را پذیرفت. در سال ۱۹۲۸ یک گروپ دوشیزه گان را جهت تحصیلات عالی به ترکیه فرستاد.

معلم آلمانی که برای تدریس در مکتب آلمانی مقرر گردیده بود، از راه چینوا به بمبی، از آنجا توسط قطار بعد از ۵۰ ساعت وارد پشاور و از آنجا به کمک لاری داخل کابل شد. برای معلمان وزارت خارجه اطلاعیه یی به نشر رسانیده بود که در آن شرایط افغانستان یعنی نبودن تیاتر، کنسرت، سینما نبسته شده بود. و همچنان گفته شده بود که امواج رادیو را

کشمکش ها بین بعضی از نواحی میان کوچی ها مردم اسکان یافته موجود می باشد . و گزمه و پهره شبانه مانند قرون وسطی آلمان در شهر ها اجرا میشود . او در سال ۱۹۳۲ بحیث اولین اروپایی سفری را در نواحی هندوکش انجام داده و زندگی مردم را در شرایط خیلی دشوار جیوفیزیکی ، طاقت فرسا و مرگ افزا یافت . ایون در سال ۱۸۸۱ در شهر شتیتین چشم به دنیا گشوده بعد از تکمیل دوره مکتب در سیمینار های معلمی سهم گرفته و بعد از ختم خدمت عسکری ، امتحان دور دوم معلمی راسپری کرد و عازم ترکیه شد و در لیسه حیدر پاشاه شامل کار شد . از آنجا به قسطنطنیه رفت و همچنان بحیث معلم لسان آلمانی در تهران نیز ایفای وظیفه میکرد ، علاوه بر معلمی آمر افتخاری بخش اقتصادی و سیاسی اخبار کولن بود و در باره انقلاب سالهای ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ می نوشت .

در سال ۱۹۱۲ دوباره به برلین برگشت و در شارلتنبورک بحیث معلم ، دوس صنوف شاگردان عالی را پیش می برد . بعد از چهار سال دوره خدمت عسکری در حالیکه بحیث ترجمان و تیلفونیسست در بغداد و ایران ایفای وظیفه میکرد ، وظایف معلمی را نیز به پیش میبرد . همچنان کار دکتورای خود را تحت عنوان « ایران کشور فرهنگ » دفاع کرد .

داکتر ایون بلاخره در ۱۵ اپریل ۱۹۲۴ مکتب کابل را با ۱۲۰ شاگرد اساس گذاشت که به نام پادشاه افغانستان ، لیسه امانی نام نهاده شد .

امال الله خان برادر کوچک خو را بایک تعداد شهزادگان ۱۳ نوجوان درباری شامل این مکتب کرد . به اندک زمان تعداد شاگردان افزایش یافت . در آن وقت به استثنای تاریخ دینیات و زبان دری ، دیگر مضامین بهل آلمانی تدریس می شد . این مکتب به سه مرحله ابتدایی ، متوسطه و عالی تقسیم شده بود . دوس از ساعت ۸ صبح آغاز الی ساعت چهار بعد از ظهر ادامه داشت .

هدف اساسی این مکتب را تربیه جوان بامسئولیت

و باوجدان و آزادمنش برای پذیرش در دانشگاه های آلمان رشته های اداری ، طب ، انجینیری ، و تعلیم و تربیه بود . تا در فرجام ، افغانستان نیز مانند جاپان باقشر تحصیل یافته در جوامع پیشرفته راه باز کنند .

در قرارداد ، عهده دار این مکتب آلمان - افغانستان وزارت معارف پرویس ( وزارت معارف آن وقت آلمان ) بود . در قرارداد درج گردیده بود که شهادنامه لیسه امانی در دانشگاه های آلمان به رسمیت شناخته شده و فارغ التحصلان آن حق شمول را در همه دانشگاه های آلمان دارند . از ینجاست که وزارت معارف پرویس در تنظیم و پلان درسی لیسه یاد شده سهم بارز داشت .

نخستین دوره شاگردان بکلوریا ( معادل ایتور در آلمان ) باید در سال ۱۹۳۵ فارغ میشدند . دوس باوجود مشکلات و موانع زیاد الی ۱۹۳۴ ادامه داشت .

در سال ۱۹۲۹ بنا بر فعالیت های مخفی انگلیس ها شورش در کابل صورت گرفت و شاه امان الله مجبور شد به قندهار فرار کند . دیپلومات های آلمان در برسمیت شناختن قدرت جدید در افغانستان تردید داشتند . تا آنکه سکرتر وزارت خارجه انگلیس در بخش شرق ، به وزیر خارجه آلمان پیشنهاد کرد اوضاع افغانستان را عادی بشمارد . بازگشت امان الله خان نسبت سیاست ریفرم طلبی مترقی بیش از حد امکان پذیر نیست زیرا از پشتیبانی مردم برخوردار نبوده سلطنتش مورد قبول نمی باشد . و بعد از گذشت ایام یخبندان و خنک دیده شود که زمام قدرت و حکومت را در افغانستان چه کسی در دست می گیرد . \*مدیر مکتب آقای ایون ، با وجود آنکه این لیسه از جمله پروژههای مهم و مترقی پادشاه شاه سابق بود ، شرایط بفرنج سال ۱۹۲۸ را نادیده میگرفت . بعد از اتمام شورش در ماه دسامبر ، راپوری رابه وزارت خارجه آلمان تحت عنوان «سرنوشت مرکز تعلیمی لیسه امانی در زمان شورش ، و باز شدن دوباره آن بعد از تاج پوشی نادر خان » چنین نوشت : « در ۱۴ جنوری ۱۹۲۹ باند بچه سقاء کابل را تسخیر کرد . این گرو با خارجیان دشمنی داشته و مذهبی فاناتیک بود . وزارت

از جمله پروژه‌های مهم و مترقی پادشاه شاه سابق بود ، شرایط بفرنج سال ۱۹۲۹ را نادیده می‌گرفت. بعد از اتمام شورش در ماه دسامبر، راپوری رابه وزارت خارجه آلمان تحت عنوان «سرنوشت مرکز تعلیمی لیسه امانی در زمان شورش ، و باز شدن دوباره آن بعد از تاج پوشی نادر خان » چنین نوشت: « در ۱۴ جنوری ۱۹۲۹ باند بچه سقاء کابل را تسخیر کرد. این گروه با خارجیان دشمنی داشته ومذهبی فاناتیکی بود. وزارت معارف را لغو کردند و مکاتب را بستند.» برای آقای ایون دوره پیشرفت و آزادی فکری تمام شده بود و معلمان مانند چینو، لیبیک، و مایر فرار کردند. داکتر والترایون آمر مکتب امانی به خانم خود اوضاع را چنین نوشت: « کوهستانی ها (تاجیکان ) از مکتب امانی قشله عسکری ساختند و پشتون ها که به سر کویی آمده اند از آن به مثابه طویله استفاده کردند. گوسفندان در منزل دوم گاو و اسب ها در منزل اول و شترها در صحن باغ ، فضلات حیوانات در صنف ها بسیار بد نما و بد منظر است .»

او نمیتوانست جلو عساکر را بگیرد. میز ها، چوکی ها، میز استادان، چوب های فرش وکتاره زینه ها را میسروختانند. (ادامه دارد)

در داخل اتاق های درسی آتش می‌کردند و شیشه صنف هارا در بازار میفروختند. تحویلخانه مواد درسی با هزارجلد کتاب نابود شد. داکتر ایون می افزاید که : در مقابل همه این خراب کاری ها و ویران کاری ها عاجز بوده و برایش اجازه داخل شدن به مکتب نمی دادند. در ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۹ والترایون با اعلیحضرت نادر شاه دیدن نموده و نادر خان از او بحیث دوست قبلیش پذیرایی و زحمات او را تقدیرکرد. اعلیحضرت فرمود: « که ایون میتواند برای انکشاف افغانستان سعی به خرج بدهد، اما باید نظر به شرایط مملکت و عصر و زمان آهسته تر گام نهد...» چند هفته این چور و چپاول مکتب دوام داشت و حکومت نیز مقابل این خرابکاری ها عاجز بود.

در ۹ نوامبر ایون توانست مکتب را فعال سازد و تا باز گشت معلمان جدید از آلمان ، فارغ التحصیلان دانشگاه های آلمان (مانند انجینیر اکرم پروانتا، پوپل، داکتر یوسف، انجینیر نیاز محمد و دیگران ) را بحیث معلم استخدام کرد. داکتر ایون به آلمان اطلاع داد که همه مواد درسی

نابود شده و یکی از معلمان افغانی بقتل رسیده است. شاگردان دو باره بالای دروس خود حاضر میشوند. شاگردان از نظر عقلی و فکری متأثر شده و نظم مکتب برایشان نا آشنا میباشد.

در اخیر سال ایون یکتعداد کتاب های گم شده را دوباره از بازار خریداری و در جمع آوری مواد درسی اقدام کرد. شاگردان سالمند را مرخص کرده شاگردان جدید پذیرص

۳۰۲  
و بعد از هشت هفته دوباره دروس را با ۳۰۲ شاگرد آغاز کرد. داکترایون در اخیر راپور خود مینگارد که: « افغانستان یک مملکت جوان بوده بعضی اوقات ناآرامی هایی به وجود می آیند، اما این کشمکش ها آینده درخشان را در قبال دارد. سرنوشت لیسه امانی پایدار خواهد بود ، در صورتیکه تعلیم و تدریس با احساسات دینی روحانیون هم آهنگ باشد.»

با وجودیکه دولت آلمان از امان الله پشتیبانی میکرد و در مارچ ۱۹۲۱ قرارداد دوستی با اعلیحضرت امان الله خان عقد کرر و در سال ۱۹۲۸ از وی در برلین پذیرایی شاننداری انجام داد ، باز هم بعد از تبعید او مناسبات این دو کشور به حالت عادی بر گشت. ماریور کریستن ، افسر آلمانی در سال ۱۹۳۱ مانور ده هزار سرباز افغانی را که کلاه های فولادی بسر داشتند و آماده باش بودند، رهبری میکرد.

در سال ۱۹۳۱ سفیر آلمان اطلاع داد که اوضاع آهسته آهسته رو به بهبود است و اعلیحضرت نادر خان: علاقمنند فعال ساختن پروژه های آلمان بوده و اظهار میدارد ک

## والتر ایون بنیانگذار لیسه امانی



مردم در آرزوی همکاری با آلمان میباشند.

در ماههای گذشته آرایش نسبی در مملکت برقرار بود. کار تعلیم و تربیت در مکتب پر ثمر و قناعت بخش است. در سال ۱۹۳۲ آقای ایون ۴۹۱ شاگرد و ۲۳ استاد داشت و بودجه مکتب صد هزار رایش مارک Reichmark بود. در سال بعد در این مرکز تعلیمی ۶۱۹ شاگرد مشغول فراگیری دروس بودند و مکتب مقام اول را داشت. بعد از ظهر زبان آلمانی برای مامورین و سربازان تدریس میشد. در سال ۱۹۳۳ تعداد آلمانی هایی که بحیث استاد، انجینیر، بازرگان یا امر پروژه های دولتی بودند به ۲۵ تن می رسید و زیادترین افراد خارجی بودند که برای کار های مختلف استخدام شده بودند. امر چاپخانه دولتی، کار شناسان سنگ های لاجورد و صدور آن و مشاورین پست و تلگراف همه آلمانی تبار بودند. نظر به گفته یک نفر آلمانی، در بین قاره آسیا، دور از وطن، شنیدن جمله «گوتن تگ» (روز شما خوش) بسیار خوش آیند است. این سلام گفتن از طرف یک شخص نبود بل از طرف همه مردم در وقت رو برو شدن این جمله شنیده میشد. روابط حکومت افغانستان بکلی عادی بود، حتا آرزوی آن میرفت که نمایشگاه پوست قرقل را از لندن به لایپزیک انتقال بدهند.

۸ نوامبر سال ۱۹۳۳ در باغ ارگ شاهی در مراسم اعطای شهادتنامه به شاگردان لایق، نادرشاه سرور سو قصد قرار گرفته و به اتریش تفرنگچه توسط یک شاگرد لیسه امانی، شهید گردید. بعد از نادرشاه پسر ۱۸ ساله اش محمد ظاهر شاه به تخت سلطنت نشست. والی سال ۱۹۷۴ پادشاه بود و از آن سال به بعد در ایتالیا در تبعید بسر میبرد.

قاتل نادرشاه از معلم خود مضامین رسامی، بیولوژی و زبان آلمانی «آقای الیاس بالکی» به بهانه بیکه سفر در به پیش دارد خدا حافظی کرد. نظر به گفته بالکی قاتل را بر وقت غروب آفتاب نزدیک به دروازه کابل واسکت بردند و جسدش را به پیش سگ ها انداختند.

قبلاً در ماه جولای یک نفر افغان بنام سید کمال که در برلین دانشجو بود، سفیر افغانی را، که برادر نادر شاه بود، در داخل سفارت به قتل رسانید. دو ماه بعد از آن یکی از معلمان لیسه امانی به سفارت انگلیس در کابل داخل شده و قصد قتل سفیر انگلیس را داشت، اما سکرتر سفارت او را با همکاری از پا در آورد.

قابل تذکر است که این شاگردان هیچگاه از سوی معلمان و مدیر مکتب آقای دکتر والتر ایون به قتل این اشخاص تشویق نگریده بودند. بل که آنان به فامیل هایی ارتباط داشتند که امان الله خان را شاه قانونی و نادر خان را بحیث غاصب تاج و تخت میدانستند. نظر به این سو قصد هابود که یک تعداد افغانان که از جمله هراداران قاتلین به شمار می رفتند و

از آن جمله معاون آقای دکتر ایوب وشاگردان دوره ثانوی و عالی مکتب به دار آویخته شدند.

اسم لیسه امانی به افتخار از بین بردن حکومت بچه سقا در سال ۱۹۲۹ بنام لیسه نجات تعبیر یافت .

در اطلاعیه ۲۹ دسامبر سال ۱۹۳۳ سفارت آلمان درج است که: « تعداد ی از شاگردان ثانوی لیسه امانی نسبت قتل نادر شاه محکوم به اعدام و حبس شده اند . ۲۴ شاگرد در حبس میباشند. و تعداد شاگردان مکتب کم شده است . علاوه بر آن صدر اعظم خود خواه «محمد هاشم خان» و حکومت آن نسبت به مکتب حس بدبینی پیدا کرده اند.

آقای ایوب ایام خیلی دشوار را سپری میکرد و در سال ۱۹۳۴ اولین امتحان بکلوریا را ۶ شاگرد از آن جمله دو شاگرد به درجه اعلی، سه شاگرد به درجه خوب و یک شاگرد بدرجه قناعت بخش ، سپری کردند.

فارغ التحصیلان لیسه امانی مطابق اهداف این مکتب بحیث مامورین عالی رتبه، صدر اعظم، وزیر، انجینیر، استاد و محقق ایفای وظیفه میکردند. حتا ببرک کارمل که به زمام داری کشور رسید و از جانب شوروی کمک می شد ، در سال ۱۹۳۰ از لیسه امانی فارغ شده بود .

در سال ۱۹۳۵ نسبت این سوئصد ها همه استادان آلمانی از لیسه امانی تبدیل شدند و آقای دکتر والتر ایوب به برلین برگشت.

در زمان حکومت هتلری مناسبات بین آلمان و افغانستان خوب بود. مگر بدون ایوب . قاتل سفیر «سیدکمال» در سال ۱۹۳۵ اعدام شد. در سال ۱۹۳۱. در جنب لیسه یک مکتب شخصی در کابل افتتاح شد. همچنان در این سال شرکت هوانوردی لوفتهانزا پرواز های منظم برلین - تهران - کابل را آغاز کرد . در سال ۱۹۳۷ مکتب میخانیکی به همکاری وزارت اقتصاد افغانستان و کمک شرکت زیمنس در کابل تحت

راهنمایی متخصصان آلمانی افتتاح گردید. زیمنس شبکه برق رسانی شهر کابل را به همکاری انجینیران آلمانی مربوط اداره تود Todt به عهده گرفت و دستگاه برق چک وردک را نصب

کردند. اکثریت شاگردان مکتب میخانیکی در این دستگاه به کار گماشته شدند . در سال ۱۹۴۱ در مکتب میخانیکی ۲۲۰ پسر جوان در رشته های برق قوی، ماشین سازی، تخنیک اتوموبیل، لجم کاری، و افزارسازی مشغول تحصیل بودند. در سال ۱۹۳۹ حکومت افغانستان کریدیتی به مبلغ ۵۵ میلیون رایش مارک (معادل ۳۵۰ میلیون اویرو) را از حکومت آلمان در یافت کرد.

در سال ۱۹۴۰ - ۱۹۴۱ کمسیون مشترک آلمانی - افغانی مذاکراتی را بمقصد راه یافتن افغانستان به بحر هند، که در صورت حمله ناگهانی هتلری تانکها، رادار هاو طیاره ها کافی از آلمان بگیرد ، انجام دادند و در مذاکرات از نام های مانند کسی Achse خط برلین - بغداد - کابل یاد شده است . در سال ۱۹۴۱ به تاریخ ۱۷ فبروری ، اورگان عالی نظامی هتلر موظف شد تا ، به تعقیب اوپراسیون بارباروسا Barbarrosal امکانات

## درحاشیه روابط آلمان و افغانستان سرگذشت لیسه امانی

پیاده شده عساکر را در افغانستان به خاطر حمله به هندوستان  
تحقیق و بررسی کنند.

این اوراگان نظامی هتلر ۱۷ دیویزیون را تخمین  
و تعیین کرده در نظر داشت تا در خزان سال ۱۹۴۳ هتلر قشون  
انگلیسی را در شرق دورو شرق وسطی به کمک حمله زمینی  
شکست داده و از راه ترانس قفقاز خارج و داخل عراق گردیده و  
در لیبیا با عساکر رومل به کمک اعراب انقلابی و آزادی خواه  
به طرف کانال سویز پیشروی کند.

افغانستان در جنگ جهانی بیطرفی خود را با داخل شدن  
عساکر سیخ در جنگ اعلان کرد. و در یازدهم اکتوبر ۱۹۴۱  
سفیر انگلستان و سفیر روسیه افغانستان را مجبور به اخراج  
ایطالیایی ها و آلمان ها کردند. اما افغانستان به شرطی به  
اخراج آنان موافقه کرد که الی رسیدن افراد ایطالیایی و  
آلمانی به منازل ، راه بازگشت شان بدون خطر و آزاد باشد. و  
روابط دیپلماتیک بین افغانستان و آلمان تا ۸ ماه می ۱۹۴۵  
ادامه داشت.

از سال ۱۹۴۱ به اینطرف دروس مکتب توسط معلمان  
افغانستانی به زبان دری پیشبرده میشد و زبان آلمانی که از  
سال ۱۹۳۰ زبان درسی بود، بحیث زبان خارجی تدریس  
میگردید.

در سال ۱۹۵۰ آلمان ها و اطریشی ها به افغانستان  
برگشتند. شاگردان لیسه امانی هر سال به زبان آلمانی در صحنه  
تئاتر پارچه های تمثیلی مانند امیلاجالوتی، دایره تباشیری  
قققازی ( که برگرداندن این مقاله نیز در آن سهم داشت) و هوم  
های مشهورتر یسندگان آلمانی را به نمایش گذاشتند. در سال

در سال .

۱۹۵۵ مناسبات رسمی دوباره آغاز گردید و اشخاص سر شناس  
زیر از افغانستان دیدن کردند: لودفیک ارهارد، هاینرپ لوبکی،  
کورت گیورگ کیزینگر، والتر شیل ( و در این اواخر گرهارد  
شرویدر مهماندار نشست بن بود) .

ز هر زمانی که دیپلومات های آلمانی از صمیمیت و  
دوستی افغانها نسبت به آلمان ها حرف میزنند، لیسه امانی را  
سبب اصلی این ارتباط میدانند. قسمیکه در اسناد وزارت  
خارج آلمان ثبت است ، اساس گذار و بنیادگر این ارتباط  
نیک را داکتر والتر ایون می شمارند. و هوشیاری و درایت و  
زیرکی و فهم عمیق اورادر شناخت مردم افغانستان تقبیر و تمجید  
می کنند. او بود که لیسه امانی را افتتاح کرد و شرایط توسعه  
آنرا ، بحیث یک مرکز تعلیمی شناخته شده ، با تمام مشکلات  
مهیا ساخت.

آقای داکتر والتر ایون در اپریل ۱۹۴۵ در شمال برلین وفات  
یافت .

*Korajal H. B.*



از جمله پروژههای مهم و مترقی پادشاه شاه سابق بود ، شرایط بفرنج سال ۱۹۲۹ را نادیده می‌گرفت. بعد از اتمام شورش در ماه دسامبر، راپوری رابه وزارت خارجه آلمان تحت عنوان «سرنوشت مرکز تعلیمی لیسه امانی در زمان شورش ، و باز شدن دوباره آن بعد از تاج پوشی نادر خان » چنین نوشت: « در ۱۴ جنوری ۱۹۲۹ باند بچه سقاء کابل را تسخیر کرد. این گروه با خارجیان دشمنی داشته ومذهبی فاناتیکی بود. وزارت معارف را لغو کردند و مکاتب را بستند.» برای آقای ایون دوره پیشرفت و آزادی فکری تمام شده بود و معلمان مانند چینو، لیبیک، و مایر فرار کردند. داکتر والترایون آمر مکتب امانی به خانم خود اوضاع را چنین نوشت: « کوهستانی ها (تاجیکان ) از مکتب امانی قشله عسکری ساختند و پشتون ها که به سر کویی آمده اند از آن به مثابه طویله استفاده کردند. گوسفندان در منزل دوم گاو و اسب ها در منزل اول و شترها در صحن باغ ، فضلات حیوانات در صنف ها بسیار بد نما و بد منظر است.»

او نمیتوانست جلو عساکر را بیگیرد. میز ها، چوکی ها، میز استادان، چوب های فرش وکتاره زینه ها را میسوزانند. (ادامه دارد)

در داخل اتاق های درسی آتش می‌کردند و شیشه صنف ها را در بازار میفروختند. تحویلخانه مواد درسی با هزارجلد کتاب نابود شد. داکتر ایون می افزاید که : در مقابل همه این خراب کاری ها و ویران کاری ها عاجز بوده و برایش اجازه داخل شدن به مکتب نمی دادند. در ۱۵ اکتوبر ۱۹۲۹ والترایون با علیحضرت نادر شاه دیدن نموده و نادر خان از او بچیت دوست قبلیش پلنیرایی و زحمات او را تقدیرکرد. اعلیحضرت فرمود: « که ایون میتواند برای انکشاف افغانستان سعی به خرج بدهد، اما باید نظر به شرایط مملکت و عصر و زمان آهسته تر گام نهد...» چند هفته این چور و چپاول مکتب دوام داشت و حکومت نیز مقابل این خرابکاری ها عاجز بود.

در ۹ نوامبر ایون توانست مکتب را فعال سازد و تا باز گشت معلمان جدید از آلمان ، فارغ التحصیلان دانشگاه های آلمان (مانند انجینیر اکرم پروانتا، پوپیل، داکتر یوسف، انجینیر نیاز محمد و دیگران ) را بچیت معلم استخدام کرد. داکتر ایون به آلمان اطلاع داد که همه مواد درسی

نابرد شده و یکی از معلمان افغانی بقتل رسیده است. شاگردان دو باره بالای دروس خود حاضر میشوند. شاگردان از نظر عقلی و فکری متأثر شده و نظم مکتب برایشان نا آشنا میباشد.

در اخیر سال ایون یکتعداد کتاب های گم شده را دوباره از بازار خریداری و در جمع آوری مواد درسی اقدام کرد. شاگردان سالمند را مرخص کرده شاگردان جدید پذیرف

۳۰۲  
و بعد از هشت هفته دوباره دروس را با ۳۰۲ شاگرد آغاز کرد. داکترایون در اخیر راپور خود مینگارد که: « افغانستان یک مملکت جوان بوده بعضی اوقات ناآرامی هایی به وجود می آیند، اما این کشمکش ها آینده درخشان را در قبال دارد. سرنوشت لیسه امانی پایدار خواهد بود ، در صورتیکه تعلیم و تدریس با احساسات دینی روحانیون هم آهنگ باشد.»

با وجودیکه دولت آلمان از امان الله پشتیبانی میکرد و در مارچ ۱۹۲۱ قرارداد دوستی با اعلیحضرت امان الله خان عقد کرد و در سال ۱۹۲۸ از وی در برلین پذیرایی شاننداری انجام داد ، باز هم بعد از تبعید او مناسبات این دو کشور به حالت عادی بر گشت. ماریور کریستن ، افسر آلمانی در سال ۱۹۳۱ مانور ده هزار سرباز افغانی را که کلاه های فولادی بسر داشتند و آماده باش بودند، رهبری میکرد.

در سال ۱۹۳۱ سفیر آلمان اطلاع داد که اوضاع آهسته آهسته رو به بهبود است و اعلیحضرت نادر خان: علاقمند فعال ساختن پروژه های آلمان بوده و اظهار میدارد ک